



## تبیین حقوقی همبستگی طلاق عاطفی مطالعه موردی کارکنان متاهل شاغل در پارک فناوری پردیس

نازنین قاسمی

### چکیده

طلاق حقوقی یا قانونی، جدایی کامل فیزیکی و روانی و عاطفی همسران از یکدیگر است که از طریق دادگاه و دفترخانه‌ها به تایید می‌رسد و هر یک از زوجین پس از رای دادگاه و معین شدن حقوق هر زوج و کسب آن حقوق، به دنبال سرنوشت خود می‌روند. اما در طلاق عاطفی چنین نیست. در طلاق عاطفی جدایی فیزیکی همسران، اتفاق نمی‌افتد. جدایی، جدایی عشقی و عاطفی است همسران در یک خانه زندگی می‌کنند اما هیچ عاطفه و محبت و عشقی به هم ندارند و گویی که همسایه یکدیگرند و هر یک در خانه اتاقی مجزا دارند این اتفاق ممکن است چند ماه یا چند سال طول بکشد و گاهی نیز تا پایان عمر یکی از همسران دوام یابد.

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه طلاق عاطفی بین کارمندان متاهل شاغل در پارک فناوری پردیس است. روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است و به این منظور برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته طلاق عاطفی استفاده گردیده است و بین نمونه آماری توزیع شد و تعداد کل نمونه آماری تحقیق ۸۰ نفر می‌باشد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده طبق یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که حدود ۶۰ درصد جامعه مورد بررسی، دارای مشکل طلاق عاطفی می‌باشند و همچنین مردان نسبت به زنان عدم تعلق عاطفی و عدم معاشرت پذیری در آنان بیشتر دیده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای مانند: ابعاد مختلف سن، سن ازدواج، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، درآمد همسر، نارضایتی جنسی، شبکه‌های مجازی، تعداد ازدواج و نحوه‌گزینه‌ش همسر با طلاق تفاوت معنادار و رابطه معکوس دارند.

واژگان کلیدی: خانواده، طلاق، طلاق عاطفی، زوجین، رابطه زناشویی



#### مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است. که بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. پرداختن به این بنای مقدس و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی شده و غفلت از آن موجب دور شدن از حیات واقعی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. هدف عالی تشکیل خانواده، به سکون و آرامش رسیدن اعضای آن و از نتایج ازدواج، ایجاد مودت، رحمت و آرامش میان زن و مرد ذکر شده است. خانواده از نظر جامعه شناسان نخستین واحد منسجم اجتماعی را تشکیل می دهد که یکی از مهمترین وظایف آن تأمین همبستگی اجتماعی است، بنیان خانواده در طی مراحل خود ممکن است دچار آسیب ها و بحران هایی گردد که یکی از این بحران ها مسئله طلاق می باشد که به عنوان بحران اجتماعی و خانوادگی مطرح می شود که در بسیاری از موارد موجب عدم تعادل خانواده گشته و ثبات خانواده را درهم شکسته و باعث می شود که تعادل روانی و عاطفی خانواده در هم شکسته شود، اکثر محققان معتقدند که بازتاب های شوم این بحران دردناک به طور روز افزون در حال افزایش است. (استیل و کید، ۱۳۸۸)

هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده های سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تأثیر از خانواده پدید نیامده اند.

2

ازدواج مهمترین عرف و رسم معمول در تمام جوامع و فرهنگ ها می باشد که واجد شکل گیری و شکل دهی نزدیکترین فرآیندهای ارتباطی بین دو نفر و در نهایت تشکیل یک واحد اجتماعی به نام خانواده است خانواده، مؤلفه بسیار مهم و با ارزشی در حیات انسان تلقی می گردد و یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می دهد. (اسکیدمور، ۱۳۷۵)

سنگ بنای خانواده، ازدواج است. با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت ازدواج بدل می شود. رضایت زناشویی احساس عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده زن و مرد با توجه به تمام جنبه های رابطه زناشویی است. رضایت زناشویی به عنوان یکی از مهمترین مولفه های ثبات عاطفی زوجین به حساب می آید.

از آنجایی که انسانها دارای تصورات اجتماعی هستند و تصورات آنها با یکدیگر متفاوت می باشد بنابراین زوجین نیز تصورات متفاوتی از زندگی دارند که این تصورات از طرفی تحت تأثیر عادت واره ها و سرمایه های فرهنگی افراد می باشد. وجود عادت واره های یکسان تأثیرات مهمی در زندگی زوجین دارد علایق و سلیق آنها را به یکدیگر نزدیک می کند و امکان گفتگو بین آنان را به وجود می آورد. (اعزازی، ۱۳۸۹).

امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین زن و شوهر به سستی گراییده است و خانواده به گونه فزاینده ای با نیروهای مخرب مواجه شده و تهدید مهمی برای سلامتی جامعه به شمار می رود.

طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی شروع شده و با سعی در حل تعارضات زناشویی از طریق جدایی با ورود به موقعیتی جدید با نقش ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می یابد.

اگرچه تحقیقات زیادی در مورد طلاق صورت گرفته است ولی در مورد طلاق عاطفی تحقیقات اندکی انجام شده است بنابراین ضروری است که پژوهشگران و مسئولان توجه بیشتری به انجام تحقیق و پژوهش در این زمینه نمایند و با انجام تحقیقات بیشتر طلاق عاطفی به عنوان یک بحران برای زنان و خانواده ها شناخته شود و مورد توجه بیشتری قرار بگیرد؛ بنابراین پژوهش در این راستا از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا شاید بتواند کمکی به شناسایی و حل مشکلات مربوط به طلاق عاطفی در بین زنان شود. (ارجمند و پیرامون، ۱۳۹۳).



# چهارمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۷ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محض اینکه کلمه طلاق مطرح می شود نخستین مفهومی که به ذهن متبادر می شود جدایی رسمی در قالب سند و قبالة طلاق و محضر است اما طلاق اشکال دیگری هم دارد زیرا همیشه به جدایی فیزیکی نمی انجامد. بنابراین ممکن است زن و حتی شوهر با توجه به پیامدهای طلاق از وقوع طلاق رسمی جلوگیری کنند، اما در ادامه زندگی مشترک خود نوع دیگری از طلاق را در پیش می گیرند که طلاق عاطفی نامیده می شود.

از آنجاییکه یکی از مسائل عمده جوامع امروزی افزایش سرسام آور طلاق و تنش های خانوادگی است این میزان تنش ها روز به روز در خانواده ها بین زوجین بیشتر می شود اما شواهد نشان می دهد علاوه بر طلاق رسمی در خانواده های ایرانی، طلاق عاطفی و تنش بین زوجین نیز وجود دارد. زوجین زیادی همدیگر را تحمل می کنند.

یکی از مهم ترین آسیب های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگ تر به طلاق های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی های خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی کنند. (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهشگران و جامعه شناسان بر این باورند که طلاق عاطفی از طلاق رسمی دشوارتر و آسیب زنده تر است. در این نوع طلاق هم زن، هم مرد و هم بچه ها آسیب می بینند. واقعیت این است که این آسیب در آینده بیشتر خود را نشان می دهد در آینده نه چندان دوری که بچه ها بزرگ می شوند، برای پر کردن خلای عاطفی خود به روابط نادرست پناه می برند و یا برای فراموشی آنچه در خانواده دیده اند به مواد مخدر و یا مشروبات الکلی پناه می برند. زن و شوهری که دچار طلاق عاطفی شده اند به انسان هایی افسرده تبدیل می شوند که توان زندگی ندارند آنها در ظاهر کارهای روزمره را انجام می دهند اما از زندگی لذت نمی برند. لذت نبردن از زندگی بدترین تجربه ای است که یک آدم می تواند داشته باشد. این زن و مردها به تدریج به انسان های خاموشی تبدیل می شوند که مانند مردگان متحرک گاهی از نقطه ای به نقطه ای دیگر حرکت می کنند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

ارتباطات مؤثر نیز نقش مهمی را در کیفیت زندگی زوجین بازی می کنند به طوری که لزوم آموزی این ارتباطات احساس می شود؛ به عبارتی ارتباطات موفق و مؤثر موجب کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران و بهبود کیفیت روابط عاطفی افراد می شود. ارتباط دلپذیر زوجین این امکان را می دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند. پژوهشگرانی که در مورد سبک های ارتباطی تحقیق می کنند به سه الگوی انتقاد - دفاع، کمرو (سلطه پذیر و مسلط) کنترل کننده دست یافته اند.

یکی از متغیرهایی که به نظر می رسد در شکل گیری سبک های تعارض و طلاق عاطفی مؤثر باشد مفهوم سخت رویی است، در واقع سخت رویی به مثابه یک ویژگی شخصیتی، نگرش درونی خاصی را به وجود می آورد که شیوه رویارویی افراد با مسائل مختلف زندگی را تحت تاثیر قرار می دهد. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱).

تفاوت های فرهنگی به عنوان علت دیگر طلاق عاطفی است. ازدواج های احساسی و هیجانی در جامعه کنونی افزایش یافته است که منجر به طلاق عاطفی می شود؛ به طوری که پسر با مشاهده یک موضوع مورد علاقه در دختر با او ازدواج کرده و به هیچ مساله دیگری توجه نکرده است و بطور کلی تفاوت های فرهنگی، تحصیلی، خانوادگی و در یک کلام عدم کفویت زوجین باعث فاصله گرفتن آنها از یکدیگر و سرد شدن روابط خانوادگی و در نهایت طلاق عاطفی می شود.

از عوامل دیگری که می تواند بر طلاق عاطفی زوجین تأثیر بگذارد ساختار انگیزشی است. طبق دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) اهداف، نقش کلیدی در زندگی بشر ایفا می کنند و انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب و تعقیب یک هدف است. افرادی که باور دارند که به اهدافشان خواهند رسید، نسبت به افرادی که چنین باوری ندارند، معمولاً شادی و رضایت بیشتری از زندگی



خود دارند. در دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) انگیزش به عنوان فرآیندهایی تعریف می شود که راه های رسیدن به هدف را میسر می سازند. بر این اساس، اهداف فرد و شیوه های جستجوی آنها ساختار انگیزشی نامیده می شوند.

این در حالی است که بسیاری از مردم رویارویی با حوادث زندگی را خسته کننده، ملال آور یا حتی تهدید آفرین تلقی می نمایند. افراد سرسخت نسبت به رویدادهای زندگی احساس کنترل بیشتری می نمایند و رویدادهای محیط را به گونه ای معنادار ارزیابی می کنند در حالی که افراد غیر سخت نسبت به رویدادهای زندگی دچار احساس از خود بی ان ی، ناتوانی و تهدید می کردند.

در واقع برخی ازدواج ها که با طلاق پایان نمی یابند، به ازدواج های توخالی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می روند و زمان را سپری می کنند و هستند. (ستوده، ۱۳۸۸).

خانواده توخالی، خانواده هایی است که اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند، ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند. در طلاق عاطفی، همسران زیر یک سقف زندگی می کنند، در حالی که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح کوچک خانواده می تواند در بعد وسیع تر جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می شود؛ از این رو بررسی مسئله طلاق عاطفی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

4

پل بوهانان ۱۹۷۰، شش مرحله متداخل طلاق را که زوجی که از یکدیگر جدا می شوند و ناچارند با آنها رو به رو شوند، به این ترتیب در نظر گرفته است:

۱. طلاق عاطفی، که بیانگر رابطه زناشویی است که رو به زوال می رود، تنش فزاینده میان زن و شوهر، که معمولاً به جدایی می انجامد.

۲. طلاق قانونی، متضمن زمینه ها و دلایلی که بر پایه آنها به ازدواج پایان داده می شود.

۳. طلاق اقتصادی، که به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می شود.

۴. طلاق هماهنگی میان والدین، که مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را در بر می گیرد.

۵. طلاق اجتماعی، که به تغییرات در دوستی ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می شود که فرد طلاق گرفته با آنها سر و کار دارد.

۶. طلاق روانی، که از طریق آن فرد سرانجام باید، پیوندهای وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن روبرو شود.

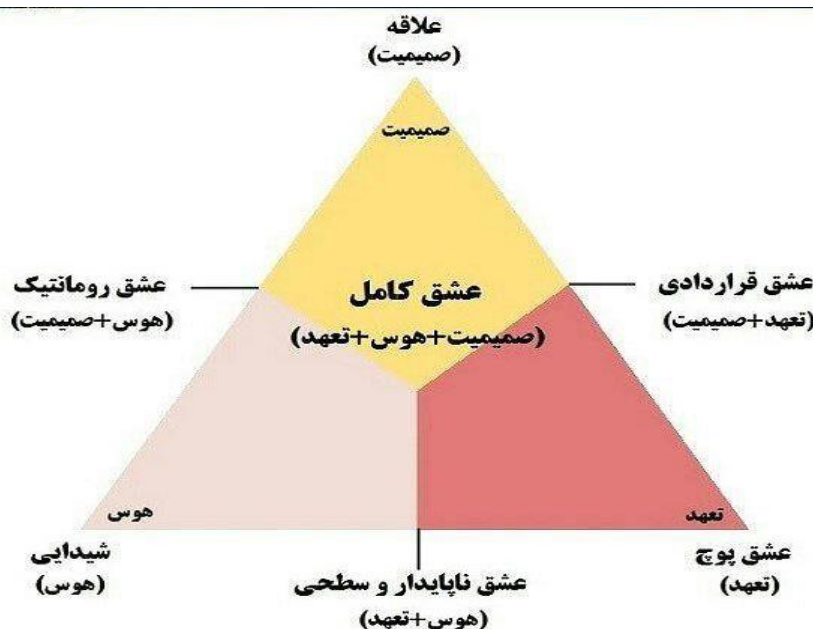
بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود (بوهانان، ۱۹۷۰) و زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است..





نمای مثلث عشق استنبرگ

شکل شماره (۱) - مثلث عشق استنبرگ



5

تجربه عشق شامل عملکرد اجزا صمیمیت و هوس و تعهد می باشد که برای دستیابی به یک رابطه سالم و پایدار باید اعتدال را میان این سه عنصر برقرار ساخت.

تعهد: شامل مسئولیت پذیری و وفاداری و وظیفه شناسی می باشد. تعهد یعنی به رسمیت شناخته شدن کسی توسط فرد دیگری که احساسات صادقانه و دل بستگی به وی دارد. سطح تعهد بین زوجین در ابتدای یک رابطه به کندی رشد می کند و سپس به تدریج مستحکم می گردد.

صمیمیت: نزدیکی در رابطه با اموری که زن و شوهر در آن سهیم می باشند اما فرد دیگری از آنها خبر ندارد. صمیمیت به آهستگی متحول می گردد و به تدریج به سمت یک پایه ارتباطی پیش می رود

شور و اشتیاق (شهوت): انرژی بخش رابطه زوج می باشد. این اشتیاق در یک رابطه سالم ارزشی فراتر از یک دفع هوس دارد. احساس های شدید، جاذبه جنسی. جاذبه در ابتدای یک رابطه بسیار شدید است و به سرعت به سمت یک عادت متمایل می شود

اکنون به ابعاد متفاوت عشق در شرایط وجود و یا فقدان سه خصیصه فوق در یک رابطه توجه کنید:  
تعهد + صمیمیت و فقدان شور و اشتیاق: این رابطه عشق مصلحانه ( مشفقانه ) نام دارد به نظر اشتنبرگ این رابطه در خطر فروپاشی قرار ندارد و زن و شوهر با علاقه و محبت و مسؤولیت پذیری به زندگی خود ادامه می دهند اگرچه نسبت به هم اشتیاق جنسی ندارند، معمولاً چنین رابطه ای پس از دوران میانسالی رخ می دهد. (پروین و همکاران، ۱۳۹۱).



# چهارمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۷ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

صمیمیت + شور و اشتیاق و فقدان تعهد: این نوع رابطه عشق رمانتیک نام دارد. یک شبه رابطه است. چنین رابطه ای معمولاً بین دختران و پسرای است که همدیگر را دوست دارند ولی هنوز ازدواج نکرده اند و نمی دانند که آیا روزگار به آنها امکان ازدواج می دهد یا خیر؟

کنش و شوق شدید حکمفرماست اما عدم امنیت از آن که رابطه تا چه مدت دوام خواهد آورد، هردو فرد را مایوس می کند. صمیمیت و فقدان تعهد و شور و اشتیاق ( هوس ) : رابطه فقط براساس مهر و دوستی بین دو طرف است، لذا عملاً چنین رابطه ای برای زن و شوهر معنا ندارد. این نوع رابطه که اشتنبرگ نام آن را عشق دوستانه نهاده است که مابین دو دوست اتفاق می افتد لذا از دایره این بحث خارج است.

در راستای قاعده مثلث اشتنبرگ سه شکل را می یابیم که با روابطی درد آور، عذاب آور عمیقاً ناراحت کننده همراه است: عشق ابلهانه ( کورکورانه )، عشق شیدایی، عشق تهی.

تعهد + شور و اشتیاق و فقدان صمیمیت: عشق ابلهانه ( کورکورانه ). این رابطه عذاب آور است. (حاجی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). مانند زن و شوهری که یکدیگر را دوست ندارند و رابطه عاطفی بین آنها سرد است گاهی اوقات غریزه جنسی آنها را جذب یکدیگر می کند و این صمیمیت بزودی از بین می رود و سرانجام به یاس و ناکامی منجر می گردد. چون قادر به آن نمی باشد که رابطه شان را عمیق تر سازند یا آن که فکرها و علاقه ها و آرزوهای قلبی یکدیگر را بشناسند. این مورد درباره کسانی که همدیگر را در یک نگاه پسندیده اند ولی بدون تفکر و تأمل که آیا برای هم مناسب هستند یا خیر سریعاً تصمیم به ازدواج می گیرند نیز صادق است. و پس از مدتی که آتش هوس فرونشست اختلافات بروز خواهد کرد.

شورو اشتیاق + فقدان صمیمیت و تعهد: عشق شیدایی، دلباختگی، عشق سودایی. بر اثر اشتیاق مطلق پدید می آید و شروع ناگهانی داشته به همان سرعت محو می شود. نوعی عشق است که با وسواس و آرمانگرایی همراه است. گاه به آن عشق در نگاه اول نیز می گویند

تعهد + فقدان شور و اشتیاق و صمیمیت: عشق تهی یا توخالی که تنها با احساسی از تعهد مذهبی یا اجتماعی تداوم می یابد و زن و شوهر نسبت به یکدیگر سرد مزاج و بی تفاوت هستند (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۲).

هوس + صمیمیت + تعهد : این رابطه عشق کامل و مطلوب نام دارد و از نظر اشتنبرگ رابطه ای است که بسیاری از مردم در تلاش و آرزوی رسیدن به آن هستند. نگاه داشتن و حفظ کیفیت عشق کامل معمولاً از دستیابی به آن دشوارتر است.

نظریه نظم خرد به بررسی چهار مشکلی که نظم اجتماعی در سطح خرد با آن مواجه است می پردازد. وی از چهار نوع تعامل سخن می گوید که در بررسی روابط خانوادگی، عمدتاً تعامل ارتباطی مد نظر است، زیرا در این نوع تعامل است که حق و تکلیف و عاطفه مبادله می شوند. از لحاظ تحلیلی نیز چلبی تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می داند. که روابط خانوادگی از مصادیق رابطه اظهاری محسوب می شود. (صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱).

در رابطه اظهاری نوعی صمیمیت، اعتماد و تعهد وجود دارد. تعلق عاطفی و معاشرت پذیری اساس این نوع رابطه را تشکیل می دهند.

مطابق نظریه چلبی از طریق تعامل اظهاری، "ما" یا "اجتماع"، تعامل است، مشروط بر اینکه تعامل صیغه اظهاری به خود بگیرد. جهت حفظ "ما" و بالطبع حفظ الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل هم فکری مشترک، هم گامی مشترک، همدلی مشترک مواجه است. با توجه به نظریه نظم خرد، اگر خانواده را اجتماعی کوچک و سطح خرد در نظر بگیریم، در صورت ایجاد مشکل در هم فکری، هم گامی، همدلی مشترک بین همسران، در تعامل همسران اختلال ایجاد می شود



که اختلال در بعد اظهاری تعامل همسران، را می توان طلاق عاطفی خواند. مارک نپ تحلیل عمیقی از مراحل آغاز، آزمودن و پایان دادن یک رابطه و انواع فراگرد ارتباطی مربوط به آن ها که هر مرحله را از مرحله دیگر ممتاز می کند، ارائه داده است. این مراحل از ساختن یک رابطه آغاز می شود، و پس از رسیدن به اوج، رابطه رو به زوال نهاده و به طرف جدایی حرکت می کند. او در کل ده مرحله را در روابط افراد تفکیک کرده که پنج مرحله مربوط به پیوند و پنج مرحله مربوط به جدایی است: مرحله افتراق: زمانی است که طرفین رابطه یا یکی از آن ها احساس کنند که رابطه او با دیگری، او را کاملاً محدود کرده است. در این وضعیت طرفین بیش تر از وجود اشتراک به تفاوت ها می اندیشند و سعی در برجسته کردن اختلافات دارند. مرحله محدود کردن: در این مرحله طرفین رابطه شروع به کاهش دفعات ارتباط و میزان صمیمیت آن می کنند؛ اشتیاق چندانی برای ارتباط از خود نشان نمی دهند و از صحبت درباره موضوعاتی که منجر به تنش و مشاجره می شود پرهیز می کنند. رابطه به گونه ای محسوس به سمت رسمیت گرایش می یابد؛ جملات و عبارت طرفین نشان از بی تفاوتی نسبت به طرف مقابل و خواسته های او دارد. (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

مرحله بی روح شدن رابطه بیان گر افزایش تخریب رابطه است در این مرحله پیام های کلامی یا غیر کلامی به گونه ای هستند که عموماً میان اشخاص بیگانه رد و بدل می شوند و رنگی از محبت و جاذبه و گذشت در آن ها نیست. در واقع دیگر در مورد خود رابطه اندیشه ای نمی شود، و علت ادامه رابطه در این وضعیت، عواملی فراسوی جاذبه و توجه به طرف دیگر رابطه است. مرحله پرهیز از یکدیگر: در این مرحله طرفین رابطه با گریز از یکدیگر سعی می کنند ناراحتی های خود را کاهش دهند و اغلب جدایی جسمی انجام می گیرد. یعنی طرفین سعی می کنند به هم نزدیک نشده و یکدیگر را نبینند. این مرحله در رابطه با همسران به سختی انجام می گیرد، زیرا آن ها به خاطر شرایط زندگی مشترک مجبورند در یک خانه زندگی کنند. مرحله جدایی: آخرین مرحله در روابط افراد است، جدایی ممکن است پی از یک مکالمه کوتاه یا پس از یک عمر زندگی مشترک صورت پذیرد. در مجموع با توجه به نظرات مورد بررسی، به ویژه تحلیل مارک نپ از مراحل جدایی، می توان طلاق عاطفی را وضعیتی در نظر گرفت که رابطه همسران، در مراحل محدود کردن، بی روح شدن، و پرهیز از یکدیگر باشد. مطالب فوق حاکی از اهمیت بنیان خانواده در جامعه می باشد. زیرا برای این که جامعه ای بتواند به خوبی پایدار باشد باید دارای افرادی سالم باشد که این سلامت افراد بیش از هر چیز بستگی به سلامت آنان در درون خانواده ها دارد. همانگونه که می دانیم اگر بنیان خانواده دستخوش آسیب و بحران گردد موجب می شود تا تعادل افراد آن در هم شکسته شود و این خود باعث به وجود آمدن جامعه ای ناپایدار و ناسالم می گردد. یکی از آسیب ها و بحران هایی که بنیان خانواده را دستخوش تزلزل می کند مسئله طلاق می باشد. (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰).

### روش اجرای تحقیق

در این پژوهش به منظور تحقق هدف های مطرح شده و با توجه به ماهیت موضوع روش پژوهش توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کارمندان متاهل شاغل در پارک فناوری پردیس تشکیل می دهند و نمونه پژوهشی شامل ۸۰ نفر که به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده است.

این روش بهترین روش برای انجام تحقیقات پیمایشی است. با توجه به این که پژوهش از نوع توصیفی می باشد، برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر در جهت آزمون فرضیه ها از پرسشنامه استفاده می شود پرسشنامه مورد استفاده به صورت محقق ساخته است.

روش اجرای پژوهش: پس از تنظیم پرسشنامه و انتخاب آزمودنی ها، پرسشنامه پژوهش در اختیار متاهلین قرار گرفت سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه به آنها ارائه شد. از آزمودنی ها خواسته شد اگر در فرآیند تکمیل پرسشنامه با مشکلی مواجه شدند از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. متاهلین پس از اعلام رضایت جهت شرکت در پژوهش و دریافت تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آنها محرمانه باقی خواهد ماند، اقدام به تکمیل پرسشنامه نمودند. پس از تکمیل پرسشنامه توسط آزمودنی ها، پرسشنامه های پژوهش جمع آوری گردید.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این بخش ابتدا به تحلیل توصیفی داده ها بر اساس فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار پرداخته و سپس به تحلیل استنباطی داده ها براساس آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، آزمون مقایسه چند گروه مستقل (آنوا) و همچنین ضریب همبستگی پیرسون پرداخته می شود.

### الف) تحلیل توصیفی

8

جدول شماره (۱) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سوالات جمعیت شناختی پرسشنامه

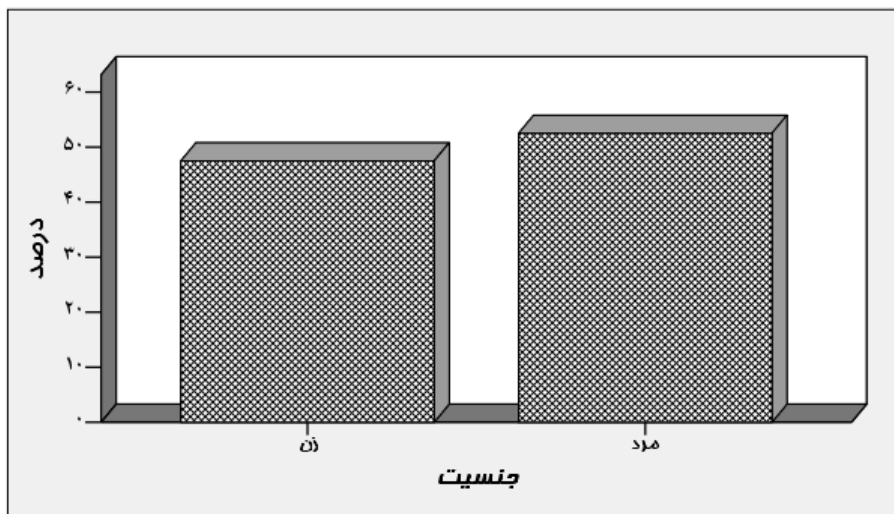
متغیر	گویه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۳۸	۴۷/۵
	مرد	۴۲	۵۲/۵
مقطع تحصیلی	دیپلم و پایین تر	۶	۷/۵
	فوق دیپلم	۷	۸/۸
	لیسانس	۳۷	۴۶/۳
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۰	۳۷/۵
	کل	۸۰	۱۰۰

جدول شماره (۱) نشان می دهد که از بین ۸۰ شرکت کننده در تحقیق جنسیت اکثریت آنان (۵۲/۵ درصد) زن و مقطع تحصیلی بیشتر افراد (۴۶/۳ درصد) نیز لیسانس می باشد. نمودارهای زیر این مطلب را تایید می کنند.



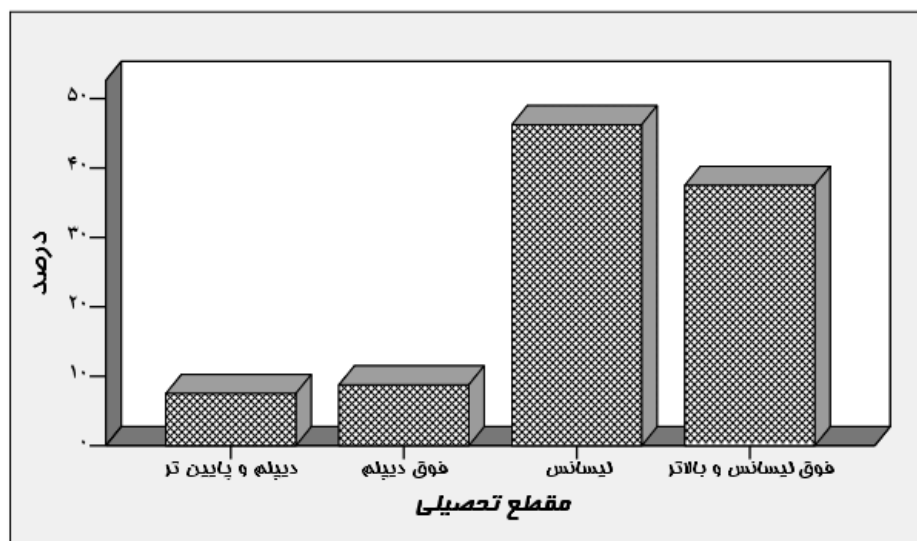


نمودار شماره (۱) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت



9

نمودار شماره (۲) - توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مقطع تحصیلی



جدول زیر برخی از آماره های توصیفی مربوط به سن پاسخگویان را نشان می دهد:

جدول شماره (۲) - برخی از آماره های توصیفی سن

متغیر	تعداد	دامنه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
سن	۷۹	۳۱	۱۹	۵۰	۳۳/۱۰۱۳	۵/۷۵۲۵۸	۳۳/۰۹۲

جدول شماره (۲) نشان می دهد که تعداد پاسخگویان به سوال سن ۷۹ نفر بوده اند. دامنه سن شرکت کنندگان برابر ۳۱ سال، حداقل سن برابر ۱۹ و حداکثر سن نیز ۵۰ سال می باشد. میانگین سن شرکت کنندگان در تحقیق برابر ۳۳/۱۰۱۳ است. انحراف معیار و واریانس سن پاسخگویان نیز به ترتیب برابر ۵/۷۵۲۵۸ و ۳۳/۰۹۲ محاسبه شده اند. اکنون برخی از آماره های توصیفی مربوط به نمرات متغیر طلاق عاطفی در پاسخگویان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول شماره (۳) - برخی از آماره های توصیفی متغیر طلاق عاطفی

متغیر	تعداد	دامنه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	واریانس
طلاق عاطفی	۸۰	۱۰۱	۳۰	۱۳۱	۵۹/۸۶۲۵	۲۷/۰۰۵۲۷	۷۲۹/۲۸۵

جدول شماره (۳) نشان می دهد که بر اساس مجموع نمرات سوالات پرسشنامه طلاق عاطفی، تعداد پاسخگویان به این متغیر ۸۰ نفر بوده اند. دامنه نمرات طلاق عاطفی برابر ۱۰۱، حداقل نمره برابر ۳۰ و حداکثر نمره طلاق عاطفی شرکت کنندگان نیز برابر ۱۳۱ است. میانگین نمرات طلاق عاطفی برابر ۵۹/۸۶۲۷ می باشد. انحراف معیار و واریانس نمرات طلاق عاطفی پاسخگویان نیز به ترتیب برابر ۲۷/۰۰۵۲۷ و ۷۲۹/۲۸۵ مورد محاسبه قرار گرفته اند.

### ب) تحلیل استنباطی

در این بخش با استفاده از آزمون های آماری به بررسی سه فرضیه زیر پرداخته خواهد شد:

(۱) طلاق عاطفی در سطوح جنسیت تفاوت معنی داری دارند.

(۲) طلاق عاطفی در سطوح مختلف تحصیلات تفاوت معنی داری دارند.

(۳) بین سن و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه اول از آزمون مقایسه میانگین طلاق عاطفی در دو گروه زن و مرد (آزمون مقایسه میانگین دو جامعه) استفاده می شود. جدول (۵) برخی از آماره های توصیفی مربوط به متغیر طلاق عاطفی در شرکت کنندگان زن و مرد را نشان می دهد.

جدول شماره (۴) - برخی از آماره های توصیفی فرضیه اول

شاخص	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
طلاق عاطفی	زن	۳۸	۶۶/۵۵۲۶	۳۰/۱۳۹۹۴	۴/۸۸۹۳۴
	مرد	۴۲	۵۳/۸۰۹۵	۲۲/۵۰۳۳۷	۳/۴۷۲۳۵

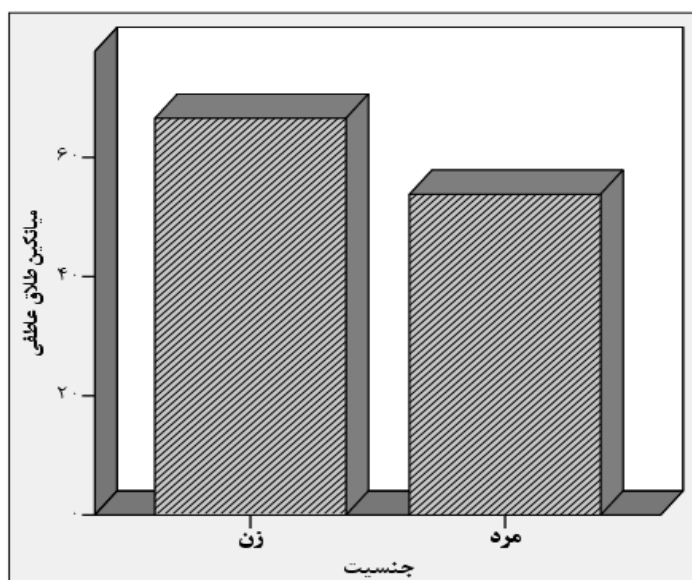
جدول شماره (۵) نشان می دهد که میانگین طلاق عاطفی در زنان (مقدار ۶۶/۵۵۲۶) بیشتر از این میانگین برای پاسخگویان مرد (۵۳/۸۰۹۵) محاسبه شده است. نمودار ستونی میانگین طلاق عاطفی شرکت کنندگان زن و مرد را نشان می دهد. این نمودار بصورت شهودی نشان می دهد که میانگین طلاق عاطفی در زنان بیش از این میانگین برای مردان می باشد. اکنون به بررسی دقیقتر این مطلب می پردازیم. قبل از استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، ابتدا بایستی برابری واریانس طلاق عاطفی در سطوح جنس بررسی شود. بدین منظور از آزمون ناپارامتری لوین استفاده می شود.

جدول شماره (۵) - مقایسه واریانس طلاق عاطفی در سطوح جنس

سطح معناداری	آماره آزمون $F$
۰/۰۸۷	۳

جدول بالا (شماره ۵) نشان می دهد که چون سطح معناداری آزمون (مقدار ۰/۰۸۷) از خطای ۰/۰۵ بیشتر است پس فرض برابری واریانس طلاق عاطفی در سطوح جنسیت تایید می شود. بنابراین از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه در حالت برابری واریانس استفاده خواهد شد.

نمودار شماره (۳) - نمودار ستونی میانگین طلاق عاطفی در زنان و مردان



اکنون به منظور بررسی فرضیه اول، فرض های آماری زیر را در نظر می گیریم.

- ف رض صفر: میانگین طلاق عاطفی در زنان و مردان با هم برابرند.
- ف رض یک: میانگین طلاق عاطفی در زنان و مردان با هم برابر نیستند.

جدول شماره (۶) - نتایج آزمون مقایسه میانگین مربوط به فرضیه اول

شاخص	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	انحراف معیار اختلاف	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین	
						حد بالا	حد پایین
اختلاف میانگین طلاق عاطفی در دو جنس	۲/۱۵۶	۷۸	۰/۰۳۴	۱۲/۷۴۳۱۱	۵/۹۱۱۲۱	۰/۹۷۴۷۹	۲۴/۵۱۱۴۲

12

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون (مقدار ۰/۰۳۴) از خطای ۰/۰۵ کمتر است، جدول (۶) نشان می دهد که فرض صفر در سطح خطای ۰/۰۵ رد می شود. بنابراین در سطح خطای پنج درصد، میانگین طلاق عاطفی بر حسب جنس تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر میانگین نمره طلاق عاطفی برای شرکت کنندگان مرد و زن یکسان نیستند. پس فرضیه تحقیق مبنی بر این که طلاق عاطفی در سطوح جنسیت تفاوت معنی داری دارند، تایید می شود. اکنون با توجه به مثبت بودن حد بالا و حد پایین فاصله اطمینان اختلاف میانگین، درمی یابیم که میانگین نمره طلاق عاطفی برای پاسخگویان زن بیشتر از این میانگین برای مردان است. (البته این استنباط با توجه به اختلاف میانگین فرضیه (۱۲/۷۴۳۱۱) که مقداری مثبت است نیز امکان پذیر می باشد). لذا نتیجه می گیریم که طلاق عاطفی در زنان بیشتر از مردان می باشد. در ادامه به بررسی فرضیه دوم پرداخته می شود. جدول (۷) برخی از آماره های توصیفی مربوط به طلاق عاطفی در پاسخگویان با تحصیلات مختلف را نشان می دهد.

جدول شماره (۷) - برخی آماره های توصیفی فرضیه دوم

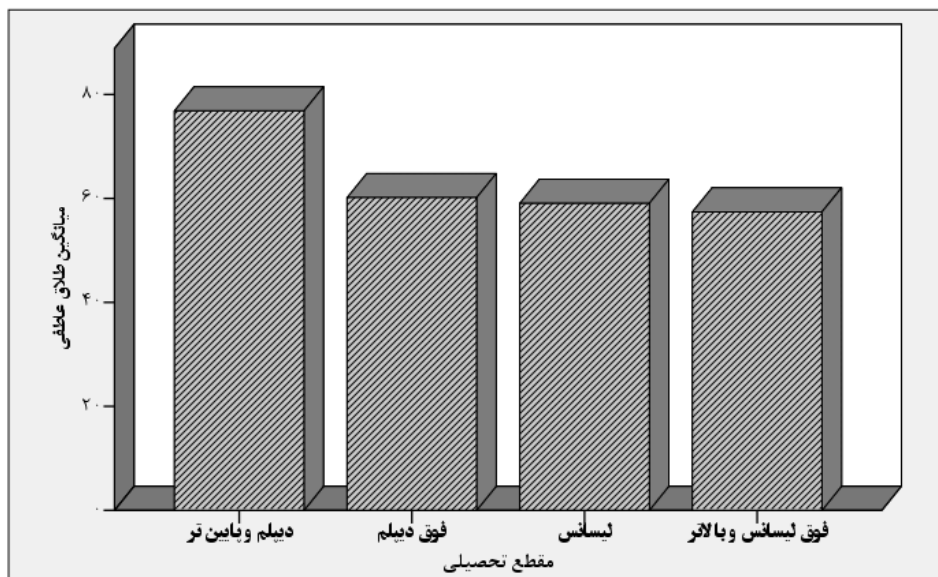
شاخص	تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین
طلاق عاطفی	دیپلم و پایین تر	۶	۷۶/۸۳۳۳	۳۸/۲۸۵۳۳	۱۵/۶۲۹۹۲
	فوق دیپلم	۷	۶۰/۱۴۲۹	۳۲/۳۴۹۲۸	۱۲/۲۲۶۸۸
	لیسانس	۳۷	۵۹/۰۵۴۱	۲۶/۰۰۳۱۵	۴/۲۷۴۸۹
	فوق لیسانس و بالاتر	۳۰	۵۷/۵	۲۴/۷۲۵۵۳	۴/۵۱۴۲۴
	کل	۸۰	۵۹/۸۶۲۵	۲۷/۰۰۵۲۷	۳/۰۱۹۲۸

جدول شماره نیز (۷) نشان می دهد که میانگین طلاق عاطفی در شرکت کنندگان با تحصیلات دیپلم و مراتب بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی می باشد. نمودار شماره (۴) نیز نمودار ستونی میانگین طلاق عاطفی در پاسخگویان با تحصیلات مختلف را نشان می دهد.





نمودار شماره (۴) - نمودار ستونی میانگین طلاق عاطفی با تحصیلات مختلف



13

به منظور بررسی دقیق تر این مطلب از آزمون مقایسه میانگین طلاق عاطفی در مقاطع تحصیلی مختلف (آزمون مقایسه چند گروه مستقل) استفاده می شود. مشابه آزمون قبل ابتدا با استفاده از آزمون ناپارامتری لوین به بررسی همگونی واریانس ها پرداخته خواهد شد.

جدول شماره (۸) - مقایسه واریانس طلاق عاطفی در سطوح تحصیلات

آماره آزمون F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	سطح معناداری
۱/۱۰۲	۳	۷۶	۰/۳۵۴

چون سطح معناداری آزمون (مقدار ۰/۳۵۴) از خطای ۰/۰۵ بیشتر است پس فرض برابری واریانس طلاق عاطفی در مقاطع تحصیلی مختلف تایید می شود. لذا می توان از آزمون آنوا استفاده کرد. فرض های آماری زیر را در نظر می گیریم.

- ف
- رض صفر: میانگین طلاق عاطفی در سطوح تحصیلات مختلف با هم برابرند.
- ف
- رض یک: میانگین طلاق عاطفی در سطوح تحصیلات مختلف با هم برابر نیستند.

میانگین طلاق عاطفی در سطوح تحصیلات

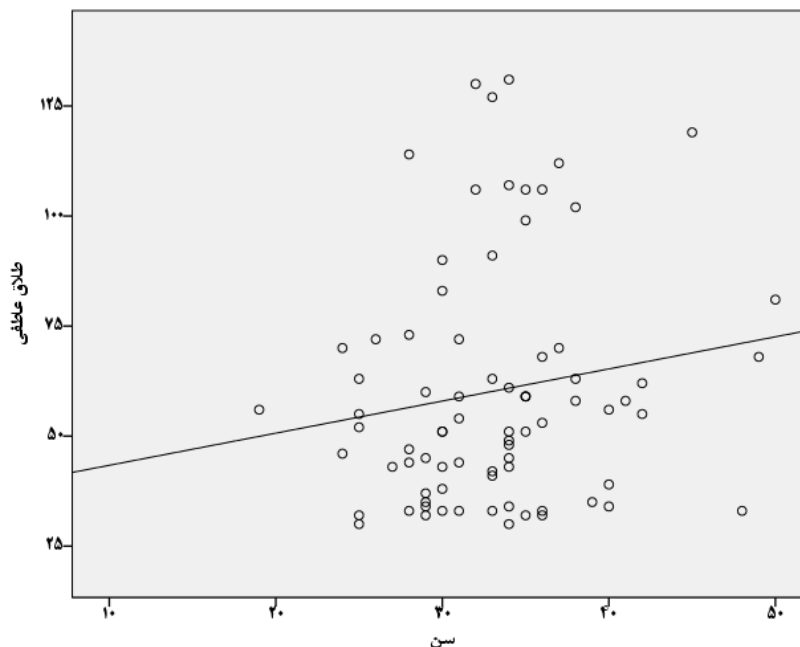
جدول شماره (۹) - خلاصه نتایج آزمون آنوا برای آزمون فرضیه تفاوت

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون $F$	سطح معناداری
بین گروهها	۱۹۳۴/۷۰۵	۳	۶۴۴/۹۰۲	۰/۸۸۰	۰/۴۵۵
درون گروهها	۵۵۶۷۸/۷۸۲	۷۶	۷۳۲/۶۱۶		
کل	۵۷۶۱۳/۴۸۸	۷۹	-----		

جدول شماره (۹) نشان می دهد که چون سطح معناداری آزمون (مقدار ۰/۴۵۵) از خطای ۰/۰۵ بیشتر است بنابراین فرض صفر در سطح خطای پنج درصد رد نمی شود. پس در سطح خطای ۰/۰۵ میانگین نمرات طلاق عاطفی بر حسب تحصیلات تفاوت معناداری ندارند. بنابراین فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه طلاق عاطفی در سطوح مختلف تحصیلات تفاوت معنی داری دارند، مورد تایید نیست.

سرانجام به منظور بررسی فرضیه سوم پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون بین سن و نمرات طلاق عاطفی استفاده می شود. اما قبل از استفاده از این روش، باید از نرمال بودن میانگین مقادیر هر متغیر اطمینان یابیم. چون تعداد پرسشنامه های توزیع شده در این تحقیق (۸۰ نفر) بیش از ۳۰ نفر است پس فرض نرمال بودن میانگین مقادیر رد نمی شود. بنابراین به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر می توان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نمود. قبل از بررسی فرضیه تحقیق با استفاده از نمودار پراکنش بین سن و طلاق عاطفی، به بررسی رابطه شهودی بین این دو می پردازیم. نمودار شماره (۵) نمودار پراکنش بین سن و طلاق عاطفی را نشان می دهد.

نمودار شماره (۵) - نمودار پراکنش بین سن و طلاق عاطفی



15

نمودار شماره (۵) بیانگر آن است که بطور شهودی بین سن و طلاق عاطفی رابطه مثبت اما ضعیفی وجود دارد، چنانچه با افزایش میزان سن، مقدار طلاق عاطفی به میان کمی افزایش یافته است. حال برای بررسی آماری این فرضیه دو فرض زیر را در نظر می گیریم:

- ف ■ فرض صفر: همبستگی بین سن و طلاق عاطفی معنادار نیست.
- ف ■ فرض یک: همبستگی بین سن و طلاق عاطفی معنادار است.

جدول شماره (۱۰) - ضریب همبستگی بین سن و طلاق عاطفی

متغیر	مولفه ها	طلاق عاطفی
سن	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۵۶
	سطح معنی داری	۰/۱۷۱
	تعداد	۷۹

با توجه به جدول شماره (۱۰) از آن جایی که مقدار سطح معنی داری آزمون (۰/۱۷۱) از میزان خطای ۰/۰۵ بیشتر است، پس فرض صفر در سطح خطای پنج درصد رد نمی شود. بنابراین میزان همبستگی بین دو مولفه سن و طلاق عاطفی معنادار نیست.



یعنی بین سن و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود نداشته و در نتیجه فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین سن و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد، تایید نمی شود.

### نتیجه گیری

طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است. یکی از مهمترین آسیب های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگ تر به طلاق های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی های خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی گیرند.

با وجود این که بیش تر ازدواج ها با عشق و علاقه و محبت طرفین صورت می گیرد، اما در اکثر موارد مشاهده می کنیم که زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان، عشق و علاقه بین شان کم رنگ و کم رنگ تر شده و گاهی به طور کامل محو می شود و همسران بدون هیچ گونه احساس و عاطفه ای نسبت به هم، به طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می دهند. در این صورت در خانواده طلاق عاطفی رخ داده است؛ در طلاق عاطفی، زن و شوهر بدون این که به طور رسمی از هم جدا شوند، عواطف را از هم دریغ کرده و روی از هم بر می تابند زیرا دیگر اعتماد و احساسی بین شان نمی ماند. زن و مرد با این که در یک خانه و زیر یک سقف زندگی می کنند، اما در اصل، دو انسان بیگانه و بی تفاوت و بی احساس نسبت به هم هستند و سر هر کدام شان به مسائل و امور زندگی خود گرم می شوند. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط صحیح میان زن و شوهر است. عوامل و متغیرهای فراوانی در این زمینه نقش دارند.

عوامل مختلفی در خانواده می توانند زمینه ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند. مانند ضعف در کنترل تعارض خانواده، عدم تامین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به صورت های متنوعی مطرح شده است که هم منجر به سرد شدن رابطه زن و مرد و گسست عاطفی شده است. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و عاقله یک طرفه زن به همسری از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت وجود داشته است. بررسی پیامدهای طلاق عاطفی نشان می دهد میزان و نوع فشارها و مشکلات روحی حاصل از طلاق عاطفی، در زندگی زنان متفاوت بوده است و در برخی خانواده ها پیامدهای شدیدی تجربه شده است.

### منابع مورد استفاده :

۱. ارجمند؛ اسحق، پیرامون؛ ندا (۱۳۹۳). بررسی آسیب شناختی طلاق عاطفی از دید زنان (۲۰ تا ۳۹ ساله) و پیامدهای آن بر فرزندان ساکن در شهرک بعثت شهرستان ماهشهر، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۹-۲۲
۲. ازاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات جامعه اخوان.
۳. استیل، لیز و کید، وارن (۱۳۸۸). جامعه شناسی مهارتی خانواده " مترجمان، فریبا سیدان و انسبه کمالی؛ انتشارات دانشگاه الزهرا، تهران.
۴. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۵). نظریه های جامعه شناسی تفکر نظری در جامعه شناسی " مترجم؛ محمد علی حاضری و دیگران، چاپ دوم، تهران، انتشارات تابان.





# چهارمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۲۷ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

۵. اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). جامعه شناسی مهارتی خانواده "ترجمه، فریبا سیدان و انسیه کمالی؛ انتشارات دانشگاه الزهرا، تهران.
۶. باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، روشن، شهره (۱۳۹۰) " پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن " دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۷. پروین، ستاره؛ داوودی، مریم؛ محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی موثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده های تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۵۶.
۸. حاجی زاده، مسعود، مداحی، جواد، کریمی، یزدان، وحدت، الهه، غروروی، مینا (۱۳۹۵). عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم شماره ۷۱.
۹. حسینی بیرجندی، سید مهدی (۱۳۹۲). آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، چاپ سیزدهم، انتشارات اوای نور .
۱۰. ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس (۱۳۹۰). نظریه جامعه شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران، جامعه شناسان، چاپ اول.
۱۱. ستوده؛ هدایت الله (۱۳۸۸) آسیب شناسی خانواده، با مقدمه از محمد صادق مهدوی، تهران، چاپ اول، نشر ندای آریانا .
۱۲. صدراشرفی، مسعود، خنکدار، معصومه، شمخانی، اژدر، یوسفی، حمید (۱۳۹۱). آسیب شناختی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۲ و ۷۴.
۱۳. عظیمی، رستا، محمود، عابدزاده، مهرناز (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی در ایران، سال سوم، شماره دهم، صص ۳۱ تا ۴۶.
۱۴. یزدانی، عباس، حقیقیان، منصور، کشاورز، حمید (۱۳۹۱). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال ۲ ش ۶.



**Legal explanation of emotional divorce correlation: A case study of married employees  
working in the campus technology park**

Written by: Nazanin Ghasemi

Abstract

Legal or legal divorce is the complete physical, psychological and emotional separation of the spouses from each other, which is approved by the court and the bureaus, and each couple follows their own destiny after the court's decision and determining the rights of each couple and obtaining those rights. . But this is not the case in emotional divorce. In emotional divorce, physical separation of spouses does not occur. Separation is love and emotional separation. Spouses live in the same house but have no affection and love for each other. It is as if they are neighbors and each has a separate room in the house. This can take months or years and sometimes years. It will last until the end of one spouse's life.

The aim of this study was to investigate the relationship between emotional divorce between married employees working in the campus technology park. The research method in this research is library and field research and for this purpose, a researcher-made emotional divorce questionnaire was used to collect information and was distributed among the statistical sample and the total number of statistical samples is 80 people. Based on the collected data, according to the research findings, it can be said that about .... percent of the study population have the problem of emotional divorce and also men are more likely than women to have emotional non-belonging and lack of socialization. The results show that contextual variables such as: different dimensions of age, age of marriage, duration of marriage, number of children, spouse income, sexual dissatisfaction, virtual networks, number of marriages and how to choose a spouse are significantly different and inversely related to divorce.

Keywords: Family, Divorce, Emotional divorce, Couples, Marital relationship